هرمزگان شناسی

آیین ازدواج در بندرعباس

• خواستگاری

پس از آن که پسر و دختر همدیگر را پسندیدند و تصمیم به ازدواج گرفتند، موضوع را با پدر و مادر ویا بزرگ ترها در میان می گذارند و آنان با هماهنگی با خانواده عروس، تنی چند از نزدیگان داماد را برای خواستگاری به منزل عروس می فرستند تا به نمایندگی از طرف پدر و مادر داماد، مراسم خواستگاری را انجام دهند. اگر پدر و مادر داماد در قید حیات نباشند، خواستگاری از طرف برادر بزرگتر یا عمو و دایی و یا خود داماد صورت می گیرد. البته چون ترتیب قضا و یا قبلا به طور غیر رسمی داده شده، معمولا جواب خانواده عروس مثبت است. در همین فرصت شرایط ازدواج مانند مهریه و چگونگی پذیرایی و هزینه آن و زمان عقد و عروسی نیز مورد بحث و مذاکره قرار می گیرد و تصمیم لازم اتخاذ می گردد.

• مراسم عقد

بعد از خواستگاری بلافاصله در زمانی که مورد توافق قرار گرفته مراسم عقد یا "بله بران" انجام می شود. این مراسم ممکن است در منزل عروس و یا در دفتر خانه صورت گیرد. عصر پنج شنبه که مقارن با شب جمعه است، بهترین زمان برای مجلس عقد است. اگر مراسم عقد در منزل صورت گیرد، قبلا عده ای از خویشان و دوستان عروس و داماد دعوت می شوند که شاهد وناظر جریان امر باشند. از مدعوین با شربت و شیرینی و میوه پذیرایی می شود. سردفتر ازدواج در مجلس حضور می یابد و پس از کسب رضایت و موافقت طرفین، صیغه عقد را در حضور جمع اجرا می نماید.

درموقع اجرای صیغه عقد یقه پیراهن عروس و داماد توسط نزدیکان و آشنایان باز می شد و داماد تا پایان مراسم عروسی نمی بایست یقه پیراهن خود را ببندد، همچنین سابقا در طول مدتی که عاقد مشغول خواندن صیغه عقد بود، مادر عروس یک عدد چاقو یا قیچی در دست می گرفت و آن را مرتبا باز و بسته می کرد. پس از ختم صیغه عقد چاقو ویا قیچی را می بست و آن را نزد خود نگاه می داشت و به هیچ کس اجازه دست زدن به آن را نمی داد بعد آن را باز می کرد.

• عروسی

پس از آن که زمان عروسی تعیین گردید مقدمات کار فراهم می گردد که یکی از آنها دعوت از فامیل و دوستان و آشنایان برای شرکت در مراسم عروسی است. برای اینکار ابتدا اسامی عده ای که باید دعوت شوند، نوشته می شود، بعد از آن اسامی را به دست یکی دو نفر از جوانان داوطلب می دهند تا به خانه های دعوت شدگان بروند و از جانب پدر داماد از آنان دعوت نمایند که در فلان روز و ساعت در مراسم عروسی شرکت نمایند.

دعوت از زن ها به وسیله چند زن انجام می شود که اصطلاحا آنان را "خواندغ" می گویند. "خواندغ ها" به خانه اشخاص مورد نظر می روند و با سر دادن هلهله (کیکنگ) حضور خود را اعلام می نمایند. خانم صاحب خانه به استقبال آنان می آید و با شربت و شیرینی از آنان پذیرایی می نماید و "خو اندغ ها" صورت می گیرد. با ظهور چاپ و چاپخانه امروزه همه دعوت ها با "کارت" صورت می گیرد. درعروسی ها از مدعوین با شربت و شیرینی یا نهار و شام پذیرایی می شود. دادن هدیه ای به نام "کادو" و یا مبلغی پول به داماد و عروس در پایان مراسم، معمول و متداول است.

• ساخت

خوانچه یا سینی محتوی لباس عروس و نقل و نبات و عود و مشک و غیره را اصطلاحا "ساخت" می نامند. عصر شبی که عروسی رسما شروع می شود، عده ای از زنان فامیل و دوستان داماد در خانه او جمع می شوند و خوانچه یا سینی محتوی وسایل مذکور را در حالی که روی آن را با پارچه سبزی پوشانده اند، دسته جمعی به خانه عروس می برند. سینی را معمولا خواهر داماد روی سر می گذارد و زنان دیگر او را همراهی می کنند.

سابقا در جریان انتقال ساخت به خانه عروس، نوازندگان محلی نیز شرکت داشتند. در همان حال در خانه عروس نیز عده ای از خویشاوندان و نزدیکان جمع می شوند و منتظر ورود "ساخت" می مانند. همین که صدای همراهان "ساخت" به گوش خانواده عروس رسید به استقبال می آیند و "ساخت" را تحویل می گیرند و به خانه می برند و آن را در وسط جمعیت می گذارند پارچه سبز را از روی سینی بر می دارند ویکی از زنان، لباس ها و زینت آلات را که در آن است برداشته به حاضرین نشان می دهد. آنگاه از همراهان و حاضران با شربت و شیرینی پذیرایی می شود در قدیم که چرخ خیاطی وجود نداشت، پارچه های لباس عروس به عده ای از زنان داوطلب تحویل می شد تا بدوزند. تنها دوختن جانماز و سرمه دان به عهده مشاطه (آرایشگر) بود.

• حنابندان

مراسم حنابندان یکی از دوشب قبل از عروسی شروع و شب آخر ختم می شود. بدین ترتیب که عده ای از نزدیکان عروس و داماد در منزل آن دو جمع می شوند و طی مراسمی دست و پای عروس و داماد را با خمیر حنا رنگین می سازند. عروس یا داماد را روی تشکچه ای می نشانند- پشت سر او پشتی یا متکایی قرار می دهند- یک متکا زیر ساق پای او می گذارند و دو نفر زن مشغول بستن حنا به دست و پای او می شوند و در جریان حنابندان معمولا هشت زن چهار نفر سمت راست وچهار نفر سمت چپ عروس و داماد قرار می گیرند و در حالی که هر یک دستمالی در دست دارند و تکان می دهند، ابیاتی با آهنگ می خوانند.

پس از اتمام کار دست و پای حنا بسته را در دستمال های مخصوص سه گوش زری دوزی شده یا ساده می بندند عروس یا داماد در همان حال شب را به صبح می رسانند و بامدادان دست و پا را می شویند در شب حنابندان یک بشقاب حنا از خانه عروس به خانه داماد و متقابلا یک بشقاب حنا از خانه داماد به خانه عروس فرستاده می شود.

دیده ها و شنیده ها

نفوذ روس و انگلیس

■ خاطرات میرزا ابولقاسم خان کحال زاده (منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران) در این کتاب مشکلات ایران در جنگ بین المللی ۱۹۱۸-۱۹۱۴ و غارت و چپاول بیگانگان بر سرزمین پهناور ایران بررسی شده است تا نسل جوان و پوینده ما از جفاهایی که بر ایران وارد شده آگاه شوند و بدانند درطول تاریخ چه وقایعی رخ داده است.

■ با تشکر از فریدون دبیری

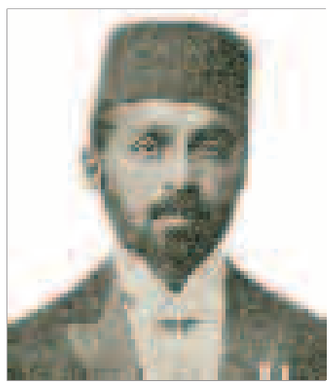

■ میرزا ابولقاسم خان کحال زاده

قسمت هفتادم

مسافرت ما ده روز تمام طول کشید و مسافرین در روز جمعه ۵ فوریه ۱۶۱۵ میلادی به رواندوز) سرحد رسیده و روز ۱۲ فوریه به شهر موصل وارد شده اند - در روز دوشنبه ۱۵ فوریه ۱۹۱۵ در شهر موصل، تلگرافی از سفارت آلمان در اسلامبول به "لیتن "می رسد

بدین ترتیب از روز اول ژانویه ۱۹۱۵ مطابق ۷ بهمن ۱۲۹۳ شمسی مطابق ۳ صفر ۱۳۳۳ قمری تهاروز ۲۸ ژانویه ۱۹۱۵ مطابق ۷ بهمن ۱۲۹۳ و اول ربیع الاول ۱۳۳۳ قمری شهر تبریز از قوای روس خالی و اهالی در آزادی کامل زندگی کردند.

مسافرت ما ده روز تمام طول کشید و مسافرین (یعنی "فوزی بیگ" و "لیتن") در روز جمعه ۵ فوریه ۱۶۱۵ میلادی به رواندوز) سرحد رسیده و روز ۱۲ فوریه به شهر موصل وارد شده اند - در روز دوشنبه ۱۵ فوریه ۱۹۱۵ در شهر موصل، تلگرافی از سفارت آلمان در اسلامبول به "لیتن "می رسد دائر بر اینکه، آقای "پرنس رویس سی ویک" سفیر آلمان که عازم ایران است طالب ملاقات شما در بغداد می باشد - "لیتن" تلگرافی جواب می دهد که روز یکشنبه آینده بطرف بغداد حرکت خواهیم کرد.

روز یکشنبه ۲۸ فوریه ۱۹۱۵ آقای "لیتن" در موصل، خبر فوت برادرش فرانس لیتن را که در سفارت امپراتوری آلمان درتهران مشغول خدمت بود دریافت کرد "فرانس لیتن "بیست و پنج سال بیشتر نداشت. قبل از شروع جنگ چند روزی در مدرسه ابتدائی به معلمین آلمانی کمک کرد. در تاریخ ۲۹ ژانوئیه ۱۹۱۵ دو روز بعد از روز تولد ویلهلم دوم امپراطور آلمان به مرض مننژیت در گذشت.

در روز شنبه ششم مارس ۱۹۱۵ از موصل وسیله کلک -(مشکهائی که پر از باد کرده و روی آن تخته گذارده و با حصیر فرش واتا ق بسیار زیبائی از چوب روی آن ساخته بودند، و در آن میز کوچک وصندلی و تخت خواب گذارده بودند، یکه و تنها روی امواج بسیار ملایم رودخانه دجله، بطرف بغداد حرکت کرده و در روز چهارشنبه ۱۰ مارس ۱۹۱۵ به شهر سامره، که ۱۲۰ کیلومتر تا بغداد فاصله داشت رسیده است و بعد از ظهر دکتر هس قنسول آلمان، با یک در زین به استقبال "لیتن "آمده و انتظار داشت که "لیتن "با خانم آمده باشد تا آنها را با اثاثیه که همراه داشته اند، با درزین به بغداد برند.

در روز ۱۶ مارس ۱۹۱۵ "پرنس هینریش رویس ۳۱" سفیر آلمان در ایران وارد بغداد شد. دیپلمات پیرمرد اطریشی گراف لگوتتی (گ ر ا ف ل و گ و ت ت ی) که سابقاً درقسطنطنیه با سمت (درگمانی) درسفارت اطریش مشغول خدمت بود همراه "پرنس ریس بود" این شخص قرآن را از حفظ کرده و اغلب به زبان عربی صحبت می کرد و کلام العدل اساس الملک همیشه ورد زبانش بود پس از اینکه قنسول "لیتن" گزارش ماموریتش درتبریز را برای "پرنس رویس" نقل کرده و به "پرنس رویس" گفته است غیر ممکن است باقوای چریک بتوان در مقابل قوای مسلح مدرن و تعلیمات نظامی دیده ایستادگی کرد، آقای کلنل هلر (ه ل ل ز) آتاشه نظامی سفارت اطریش و هنگری نیز به همراه "گراف لگوتتی بود بعد از این ملاقات "پرنس رویس "به قنسول "لیتن" اظهار داشته است که باید همراه او به تهران بیاید.

در همین ایام آقا "لیتن" دچار تب مالاریای شدیدی شده که ده روز تمام زیر نظر دکتر دکتر نیدمایر بادر اسکار نیدر مایر تحت معالجه و درمان قرار می گرد.

پس از بهبودی، "پرنس رویس" سفیر آلمان به "لیتن" ابلاغ می کند که به اتفاق او به تهران حرکت نماید. زیرا وجود او در تهران بسیار ضروری است. مراتب به وزارت خارجه برلن نیز اطلاع داده شد "عقیده "لیتن "بر این بوده است که، هئیت دیپلماسی آلمان در ایران کاری از پیش نخواهد برد و زیرا قوای مسلح روس بین قزوین و تهران بحال آماده باش می باشند و به فوریت می توانند تهران را تسخیر نمایند."

موضوع اکسپدیسیون آلمان و عثمانی با افغانستان در همان ایام باعث اختلاف عقیده آلمانها و عثمانیها شده، زیرا عثمانی می خواستند مستقلا ریاست هیئت اعزامی به افغانستان را عهده دار شوند و آلمانها به این تصمیم رضایت نمی دادند و حتی از مسافرت افسران آلمانی، از عثمانی به ایران جلوگیری کرده و سرحد ایران و عثمانی را بر روی آلمانها بسته بودند.

"پرنس رویس" با اقداماتی که ویله سفارت کبرای آلمان درقسطنطنیه کرده بود، بالاخره حسین رئوف بیگ رئیس هئیت عثمانی اکسپدیسیون افغانستان، رضایت داد که افسران آلمانی به اتفاق "پرنس رویس "سفیر آلمان به ایران حرکت نمایند. بدین ترتیب درروز ۲۷ مارس ۱۹۱۵ آقایان ووسترو (و و س ت ر و)، دکتر نیدر مایر (ن ی د ر م ا ی ر) و سرهنگ هلر (ه ل ل ر) آتاشه نظامی اتریش در تهران، و در روز ۳۰ مارس ۱۶۱۵ آقایان زایلر - (ز ا ی ل ر) واگنر (و ا گ ن ر) افسر نیروی دریائی آلمان، و سروان "نیدرمایر" که بعدها تا درجه سرهنگی در ایران و افغانستان و فرونتهای غرب اروپا خدمات بسیار شایانی انجام داد، موفق به دریافت نشان صلیب آهن گردید، جزء مسافرین و همراهان "پرنس رویس" سفیر آلمانی به ایران بودند.

از این رو تاریخ آقای "ویلهلم لیتن "سمدت درگمانی و مترجمی فارسی سفارت آلمان در ایران را به عهده داشت.

در تمام مذاکرات محرمانه "پرنس رویس "با شخص مستوفی الممالک رئیس دولت، و وزراء کابینه مترجم "پرنس رویس "بود. متاسفانه در همان ایام، به تحریکات متققین، بین اعضای سفارت دو دستگی هائی ایجاد شده بود که بالاخره منجر به تغییر شارژدافر آلمان "کاردرف" شد.

اوورا وزیر مختار آلمان به اصفهان فرستاد، که مور قنسولی را اداره کند. و آقای "لیتن" شخص دوم سفارت امپراطوری آلمان شد. در تمام مجالس سری و علنی با وزیر مختار آلمان بود.

بعدها معلوم شد آقای "ویلهلم لیتن" با نظر "پرنس رویس" صد درصد موافقت نکرده و موجب احضار "پرنس رویس" به آلمان شد، که در صفحات بعد چگونگی آن را توضیح خواهم داد.

مردان تاریخ

ابو محمد شیخ روز بهان عالم و عارف

■ شیخ روزبهان نقلی شیرازی ملقب به ابو محمد و مشهور به شیخ شطاح از عارفان و دانشمندان بزرگ قرن هفتم هجری است. او اصلیتاً از خاندان دیلمی بود و از این جهت به نقلی معروف شده که پدرش ابونصر دکان سبزی فروشی داشته و چون محل تولد او شهر فسای فارس بوده او را فسوی نیز می خوانند. این روحانی دانشمند در سال ۵۲۲ هجری (مطابق با ۱۲۸ میلادی) در فسا متولد شد و در جوانی سبزی فروشی را رها کرد و به سیر و سیاحت پرداخت.

در ابتدای کار به عراق و شام و حجاز سفر کرد و در همین ایام علم قرائت و تفسیر حدیث و فقه را فرا گرفت و در عرفان و تصوف به مطالعه پرداخت و در سماع صحیح بخاری شرک جست. در اسکندریه با شیخ ابوالحیب سهوردی آشنا شد و از محضر او درک فیض کرد. سپس از دست شیخ الدین محمودی خلیفه، خرقه پوش شد. روزبهان به مدت پنجاه سال در جامع عتیق شیراز برای مردم موعظه نمود و بترتیب و ارشاد حق پرداخت. این مرد بزرگ در سال ۶۰۶ هجری در گذشت و در شیراز بخاک سپرده شد. هم اکنون مزار او با چندتن از بازماندگانش در شیراز است.

روزبهان سلسله روز بهائیه را در تصرف بوجود آورد و مدتها در ایران به ترویج آئین تصوف بوجود آورد و مدتها در ایران به ترویج آئین تصوف ادامه داد. روزبهان دارای تالیفات زیادی بود که تعداد آنها به شصت جلد می رسد. از جمله کتاب لطائف البیان، فی تفسیر القران و مکنون الحدیث و حقایق الاخبار می باشد. کتاب عبهرالعاشقین و شخصیات این مردنامی به وسیله (کربن) مستشرق معروف و محقق زبان و ادبیات فارسی به چاپ فارسی به چاپ رسیده است. روزبهان از طبع و قاد ادب و شعر نیز برخوردار بوده است.

ادبیات زیر از اوست:

آنچه ندیدست دو چشم زمان

وآنچه نه بشنید دو گوش زمین

در گل ما رنگ نموده است آن

خیز و بیا در گل ما آن ببین

روزبهان دانشمندی باریک بین و دقیق و اهل معنا بوده است، چنانچه اشاره شد، سالها در مسجد عتیق شیراز با مواعظ حکیمانه و سودمند خود به ارشاد مردم پرداخت. در یکی از روزها ناظر گفتگوی مادر و دختری بود که مادر، دختر را به حجاب کامل توصیه می نمود و شیخ از عتاب شدید الحن مادر نسبت به دخترش ناراحت شد و او را نصیحت نموده و منظور از پوشش و حجاب را برای او بیان داشت.

محبت مقدمه عشق (نقل از عبهر العاشقین)

اعلم ایها السائل فی العشق، که عشق را به مقدمات است و هدایت عشق ارادت است و از آنجا به خدمت آیند، بعد از آن موافقت است بعد از انعاد معشوق و از اذیت عاشق اول عموم است و دیگر خصوص، چون به کمال رسد شوق است و چون به حقیقت استغراق رسد بسعی عشق. آنکه آن را نتیجه هاست و بترتیب گفته آید. انشاءالله تعالی. اما العشق فعلی خمسه انواع. نوعی الهی است و آن منتهای مقامات است جز اهل مشاهده و توحید و حقیقت را نباشد و نوعی عقلی است و آن از عالی مکاشفات ملکوت باشد و آن اهل معرفت است و نوعی روحانیت است و آن خواص آدمیان را باشد چون بغایت لطافت باشد و نوعی بهیمی است وآن رذال الناس را باشد و نوعی طبیعی است و آن عامه خلق را باشد برین قاعده هر یکی را بیانی کرده شود انشالله تعالی. اما بهیمی رذال خلق را باشد اهل خمرو فساد و فسق و ارتکاب معاصی جز به تاثیر هوی نیست و از غلیان نفس اماره باشد که بدان فتد تا مهیج شهوات مذمومه شود تا بحدی برسد که ضعف حیوانی که عین شهوت فطری است در اصل خویش بعد از صحبت محبوب والفت با وی که یکدم است از علاقه حرقت آتش شهوت نفس اماره برهد. و این در جهان عقول و نزد شریعت چون بر احکام و امر الهی نباشد مذموم باشد اما آنچه طبیعی است که از لطافت عناصر اربعه است مهیج آن یمینا نفس ناطقه است و شمالاً نفس اماره است و فوقاً نفس کل است و تحتاً نفس فریبنده است اگر غلبه عقلیات روحانیت را باشد محمود است و اگر نه میلان طبع جسمانی است در محل عشاق مذموم است و مال این طایفه هر دو جزها ویه دوزخ نیست. اینجا بدین آتش بسوزد که شهوت حیوانی است و آنجا بدان آتش بسوزد که آتش جسمانی است اما عشق روحانی است که آن خواص الناس را باشد جواهر صورت ومعانیان صفای روح مقدس یافته و تهذیب از جهان عقل دیده، صورتشان همرنگ دل باشد هر چه از مستحسنات ببینند در عشق آن بغایت استغراق برسند مادام که به آتش مجاهدت خبث طبع انسانی محترق شده باشد و آن شهوات از صرصر انفاس خمود یافته باشد این عشق به عشق اهل معرفت پیوندد و چون نردبان پایه ملکوت باشد لاجرم مستحسن باشد مذهب اهل عشق، اما عشق عقلی از سیر عقل کل در جوار نفس ناطقه در عالم ملکوت پدید آید از لوایح مشاهده جبروت، این بدایت عشق الهی است. اما عشق الهی ذروه علیاست درج قصوات و آن را بدایت نیست، انبساط و مهایات خبر از مشاهده جدایی و جمالی برخیزد. اما الفتی که از عالم طبیعت برون است و محض محبت باشد میان آدمیان معهود است و معروف نزد علمای معرفت که آن عشق جز فعل باری سبحانه و تعالی نیست و اجسادی چون خواهد که کسی را به جهان نجیب راه نماید در بدایع فطرت و صنایع قدرت افکند تا حقایق اصطناع الهیات به چشم جان بیند و در آن خوشدل و خوشوقت شود الکن از حق به جمال فعلش مرهون شود تا به حقیقت بحد آن نرسد نتواند گذشت.

بندرخمیر در یک نگاه

مریم درساره

شهرستان بندرخمیر، یکی از شهرهای ساحلی استان است که در ۹۵ کیلومتری جنوب غربی شهر بندرعباس در ۲۶ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۱۵ متر است. بندرخمیر تا سال ۱۳۸۳ یکی از بخش های بندرعباس محسوب می شد، اما به دلیل موقعیت خاص، به شهرستان ارتقاء یافت.

هوای بندرخمیر مانند سایر شهرهای ساحلی جنوب در تابستان گرم و مرطوب و در زمستان معتدل است. گمان می رود نام این بندر در گذشته "جمیر" به معنی محل اجتماع مردم بوده است. از آنجا که در گذشته مردم برای انجام مراسم مذهبی یا صید ماهی و مروارید در این محل حضور می یافتند، به آن جمیر می گفتند و به مرور زمان به خمیر تبدیل شده است. بر اساس برآورد آمار سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۴۱۳۸ نفر است. بندرخمیر ۲ بخش، ۱ شهر و ۴ دهستان دارد.

بخش مرکزی: شهر خمیر، دهستان بندرپل، دهستان کهورستان

بخش رویدر: دهستان کروئیه؛ دهستان رودبار

آثار تاریخی و گردشگری

• برج قلعه خمیر

این قلعه که به پنج برج نیز معروف است، یکی از قلعه های زیبا و تاریخی استان است که به دلیل گذشت زمان ویران شده و تنها برج آن در بلوار مرحوم ملاسلیمان خمیری و شمال مسجد جامع شهر هنوز پابرجاست.

• دیوار سدار

یکی از آثار تاریخی بندرخمیر، سدار بروزن جدا می باشد. سدار دیوارهای بلندی است از بالای کوه تا ساحل دریا که برای محافظت از شهر بنا گردیده است. باستان شناسان قدمت آنرا به دوره زندیه می رسانند. یکی از افرادی که در آنجا بود افزود: این دیوار ساحلی تاریخی جهت مقابله با هجوم قبایل ساخته شده و مرحوم صدر الاسلام از شعری بنام بندرخمیر در وصف این دیوار و رشادت مردم اشعاری سروده است. این دیوار در ۳ کیلومتری شرقی بندرخمیر و در نزدیکی جنگل حرای "مردو" قرار دارد.

• چشمه آبگرم لشتغان

در پنج کیلومتری شرق بندر خمیر و در فاصله سه کیلومتری روستای لشتغان در دامنه کوه، دو چشمه آب گرم از دیر زمان می جوشد و افراد بسیاری را از راه های دور و نزدیک حتی از آن سوی آب های خلیج فارس به سوی خود جلب کرده است. این دو چشمه در کنار یکدیگر قرار دارند که یکی ویژه ی بانوان و دیگری برای آقایان در نظر گرفته شده است. در اطراف چشمه دو استخر در امتداد یکدیگر ساخته شده اند که آب از استخر اول وارد استخر دوم می شود. یکی از اهالی لشتغان گفت: آب این چشمه از شکاف سنگ های مارین خارج شده و از کف حوضچه ها می جوشد و پس از آن در دشت سرازیر می شود.

• جنگل های حرا

جنگل های حرا یکی از دیدنی ترین نقاط بندرخمیر است که در کناره جنوبی شهر بندر خمیر و دور آب های تنگه خوران واقع شده است این جنگل یکی از بزرگترین جنگل های دریایی جهان و زیست گاه پرندگان نادر است و هر ساله گردشگران زیادی را به خود جذب می نماید.

جزایر مرجانی و آبراهه های جنگلی حرا به نام خمرد، چیروو وگرمونو از جمله مراکز دیدنی هستند که می توان به وسیله قایق های دریایی موجود در اسکله، دقایقی را در این طبیعت بی نظیر سپری کرد و لذت برد.

• کوه گوری

یکی از نقاط سرسبز و زیبای شهرستان بندرخمیر، دامنه و ارتفاعات کوه گوری در شمال شهر خمیر است که با وجود فعالیت صعب العبور بودن، علاقمندان و بازدیدکنندگان بسیاری دارد.

کوه شب نیز با ارتفاع ۲۶۸۱ متر از سطح دریا از کوه های مهم استان است که در محدوده این شهرستان قرار دارد.

• پل لاتیدان

پل لاتیدان در ۵۰ کیلومتری غرب بندرعباس و روی رودخانه "کل" واقع شده است. با داشتن ۲۰۰ دهانه، ۱۵۰۰ متر طول و ۶ متر عرض، طویل ترین پل قدیمی در ایران محسوب می شود این پل سال ها در زیر رسوبات رودخانه مدفون گشته بود تا بالاخره در سال ۱۳۷۳ سیلابی بستر رودخانه را شست و حدود ۷۰ دهانه از این اثر بزرگ ظاهر گشت.

در پنج کیلومتری شرق بندرخمیر و در فاصله سه کیلومتری روستای لشتغان در دامنه کوه، دو چشمه آب گرم از دیر زمان می جوشد و افراد بسیاری را از راه های دور و نزدیک حتی از آن سوی آب های خلیج فارس به سوی خود جلب کرده است

سایر آثار تاریخی و جاذبه های طبیعی گردشگری در شهرستان بندرخمیر عبارتند از: روستای نمونه گردشگری رویدر در بخش رویدر در ۹۰ کیلومتری شهر خمیر، آب گرم سایه خوش، کاروانسرای کهورستان، کاروانسرای کیش دری، کاروانسرای برکه سلطان، کاروانسرای برکه نو، کاروانسرای تقی خانی، آب انبار عبدالله مداوی، آب انبار عبدالله، برج قلعه خمیر، قلعه محمد احمد و مسجد جامع خمیر.

• صنایع دستی

گلابتون دوزی:

گلابتون دوزی به وسیله سوزن های خاصی با نوک برجسته به نام قلاب انجام می شود و طرح های زیبایی از نخ با روکش فلزی نقره ای یا طلایی روی پارچه به تصویر کشیده می شود.

سوزن دوزی:

زردوزی و سوزن دوزی یکی از هنرهای دستی زیبای استان هرمزگان است که برای تزیین لباس های زنانه استفاده می شود.

بادله دوزی:

در بادله دوزی، چند نوع زری به کار می رود و برای تزئین لبه شلوارهای زنانه استفاده می شود.

شک بافی

به وسیله نوعی هاون چوبی به نام جوغن و چند قرقره مخصوص و یا بالش کوچک پارچه ای انجام می شود. از شک برای تزئین لبه آستین، دور یقه، لبه دامن و اطراف مقنعه و سجاده استفاده می گردد.

• مزیت های اقتصادی

موقعیت ویژه جغرافیایی، وجود کارخانه های بزرگی مانند کارخانه تولید سیمان هرمزگان، کارخانه گچ خمیر، همچنین طرح های در حال تحقیق و اجرا همانند اسکله مدرن بندرخمیر، نیروگاه برق و پل بزرگ خلیج فارس و ده ها طرح اقتصادی دیگر همچنین قرار گیری بندرخمیر در مسیر پر تردد بین بندرعباس و عسلویه از مهم ترین مزایای اقتصادی این شهرستان است.

حمل و نقل دریایی کالا به کشورهای جنوب خلیج فارس، جنگل های حرا، بنادر محلی، کارگاه های لنج سازی و مزارع پرورش آبزیان از دیگر مزایای اقتصادی این شهرستان است.

• اسکله بندر پل

این اسکله در ۷۰ کیلومتری بندرعباس و ۳ کیلومتری روستای پل و در ۱۸ کیلومتری بندر خمیر قرار دارد و کوتاهترین مسیر دریایی تا جزیره قشم است.

روزانه عده زیادی مسافر و خودرو (به ویژه در تعطیلات نوروز از طریق این محل عازم قشم می شوند.)

تضمین سلامتی و رشد کامل برای کودکان با مصرف آبزیان بهتر میسر است

روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان

موبایل برتر

LG

Apple Iphone

موسسه خدمات مالی و حسابرسی هشتم حساب خلیج فارس